

درس ۹ ورود آریایی ها تا پایان هخامنشیان

اقوام آریایی از مهاجرت تا تشکیل حکومت در ایران

۱. واژه ایران از واژه آریایی گرفته شده است و به معنی سرزمین آریاییان است.
۲. واژه آریایی نیز به معنی شریف و آزاده است؛ پس واژه ایران به معنی سرزمین مردمان شریف و آزاده است.
۳. آریاییان گروهی از اقوام هند و اروپایی بودند که از زمانهای بسیار کهن و به تدریج در فلات ایران و شبه قاره هند مستقر شدند و خود را آریایی نامیدند.
۴. مورخان احتمال می دهند که اقوام هند و اروپایی، نخست در علفزارهای واقع در شمال شرق فلات ایران و جنوب روسیه در حوالی دریایچه آرال می زیسته اند.
۵. اقوام آریایی در حدود ۱۵۰۰ ق.م. وارد فلات ایران شدند. گروهی از آنان به سمت مرکز و غرب این فلات پیشروی کردند و در مناطق مختلف آن مستقر شدند؛ مادی ها، پارسی ها و پارتی ها از جمله آنان بودند. گروه دیگری نیز از شرق فلات ایران به هند رفتند.
۶. ایرانیان از دوران باستان تا دو قرن پیش، پیشدادیان و کیانیان را به ترتیب نخستین و دومین سلسله پادشاهی می دانستند که پیش از اشکانیان و ساسانیان بر ایران حکومت کرده بودند، و اطلاعی از مادی ها و هخامنشیان نداشتند.
۷. مادی ها بنیان گذار نخستین حکومت آریایی در ایران شناخته می شوند.

مادی، نخستین حکومت آریایی ایران

۱. قبایل گوناگون مادی از جمله اقوام آریایی بودند که در بخش وسیعی از مناطق غربی و مرکزی ایران استقرار یافتند.
۲. برای اولین بار در قرن ۹ ق.م. در سالنامه های شاهان آشوری به مادی ها اشاره شده است.
۳. آشور در آن زمان حکومت نسبتاً نیرومندی در شمال بین النهرین بود که برای به دست آوردن فلزات، سنگ های قیمتی و غنائم دیگر، دائماً به سرزمین های همسایه، از جمله نواحی غربی ایران هجوم می آورد.
۴. یورش ها و غارت گری های پی پایی آشوریان، زمینه اتحاد قبایل پراکنده مادی را فراهم آورد.
۵. رؤسای قبایل پراکنده مادی، یکی از بزرگان مادی به نام دهیوک که به اشتباه دیاکو می خوانند، را به پادشاهی برگزیدند.
۶. دهیوک شهر هگمتانه یا اکباتان (همدان امروزی) را بنا کرد و مرکز حکومت خود قرار داد.
۷. حکومت مادی در زمان فرمانروایی هووخشتر، سومین پادشاه مادی به اوج قدرت رسید.
۸. هووخشتر سپس با حکومت بابل، علیه آشور متحد شد و به حاکمیت آشوریان پایان داد.
۹. آستیاگ، پسر و جانشین هووخشتر آخرین شاه مادی بود.
۱۰. با فتح هگمتانه به دست کوروش، حکومت مادی برافتاد.

هخامنشیان؛ بزرگترین حکومت عصر باستان

۱. سلسله هخامنشی منسوب به هخامنش، جد کوروش کبیر است. هخامنش رئیس قبیله پاسارگاد بود.
۲. پارسی ها، هم زمان با قدرت یافتن مادی ها، در قسمت های جنوبی فلات ایران یعنی سرزمین پارس (استان فارس کنونی) و نواحی مجاور آن مستقر بودند.
۳. یکی از نوادگان هخامنش، به نام کوروش (کوروش دوم)، که بر آنتشان حکومت می کرد، قبیله های پارسی را که از سلطه مادی ها ناراضی بودند، متحد کرد. کوروش، سپس با جلب حمایت بزرگان مادی، آستیاگ را از میان برداشت و پادشاهی هخامنشیان را بنیان نهاد.
۴. کوروش مدتی پس از به قدرت رسیدن، به آسیای صغیر لشکرکشی کرد و حکومت لیدی را شکست داد و شهر تروتمند سارد، پایتخت لیدی و تمامی آسیای صغیر را به تصرف خود درآورد.
۵. یکی از انسانی ترین و شکوهمندترین فتوحات تاریخ جهان، فتح مسالمت آمیز بابل توسط کوروش بزرگ در سال ۵۳۹ ق.م. است.
۶. کوروش فرمان داد تا ماجرای فتح صلح آمیز بابل را بر لوحی استوانه ای از گل رس به زبان بابلی بنویسند. این لوح که در سال ۱۸۷۹ م. / ۱۲۵۸ ش. در بابل کشف شد، هم اکنون در موزه بریتانیا در لندن نگهداری می شود و به «منشور کوروش» معروف است.

۷. بیانیه یا منشور کورش، نماد فرهنگ انسانی و مداراجویانه ایرانیان است.
۸. بسیاری از محققان، منشور کورش را نخستین منشور حقوق بشر می‌دانند.
۹. نسخه بدلی از این منشور نیز در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک به نمایش گذاشته شده است.
۱۰. کورش به خاطر شخصیت انسانی همواره مورد تحسین و تکریم بوده است.
۱۱. در زمان پادشاهی کمبوجیه، پسر و جانشین کورش بزرگ، مصر به تصرف هخامنشیان درآمد.
۱۲. با فتح این سرزمین، قلمرو هخامنشیان به قاره آفریقا نیز گسترش یافت و به نهایت وسعت و عظمت خود رسید.
۱۳. پس از مرگ مشکوک کمبوجیه، داریوش یکم با همراهی تعدادی از سران خاندان های بزرگ پارسی، گئومات مئغ و دیگر شورشیان و مدعیان قدرت را سرکوب کرد و بر تخت شاهی نشست.
۱۴. داریوش بزرگ پس از فرونشاندن شورش های داخلی و برقراری آرامش و امنیت در سرتاسر شاهنشاهی هخامنشی، به شرق لشکرکشی کرد و قسمت هایی از غرب و شمال غرب هند را به قلمرو خود افزود.
۱۵. داریوش به منظور دفع حملات قبایل صحراگرد سکایی، به مناطق دوردستی در شمال دریای سیاه و جنوب روسیه کنونی لشکرکشی کرد.
۱۶. تأسیس سپاه جاویدان، احداث جاده شاهی و برپایی کاخ ها و بناهای مجلل، به ویژه در شوش و تخت جمشید، از جمله اقدام های مهم این پادشاه بزرگ است.
۱۷. دولت شهرهای یونانی، مخصوصاً آتن، از تسلط ایران بر آسیای صغیر و سواحل شرقی دریای اژه ناخشنود بودند. از این رو، آتنی ها یکی از شهرهای یونانی نشین آسیای صغیر به نام میلئوس (مَلَطِيه) را تشویق به شورش علیه هخامنشیان کردند و سپس به همراه شورشیان به شهر سارد هجوم آورده، آنجا را آتش زدند.
۱۸. سپاه داریوش بزرگ در جنگ ماراتن در مقابل یونانیان شکست خورد.
۱۹. خشایارشا به یونان لشکر کشید و آتن را تصرف کرد، اما در نبرد دریایی در تنگه سالامیس توفیقی به دست نیاورد.
۲۰. خاندان هخامنشی از زمان پادشاهی اردشیر دوم که از ۴۰۴ تا ۳۵۸ ق.م. حکومت می کرد، دچار تفرقه درونی شد.
۲۱. در ابتدای زمامداری اردشیر دوم، برادرش کورش کوچک در آسیای صغیر سر به شورش برداشت و با سپاهی از مزدوران یونانی راهی پایتخت گردید. در جنگی که میان دو برادر رخ داد کورش کوچک شکست خورد و کشته شد.
۲۲. اردشیر دوم به عیاشی و راحت طلبی مشهور بود.
۲۳. در دوران فرمانروایی اردشیر دوم مصر از سیطره هخامنشیان خارج شد.
۲۴. اردشیر سوم، پسر و جانشین اردشیر دوم در ابتدای حکومتش به قتل عام افراد خاندان سلطنتی پرداخت و کسانی را که احتمال می داد ادعای شاهی کنند به قتل رساند.
۲۵. اردشیر سوم، پادشاهی جاه طلب و جنگجو بود و مصر را دوباره ضمیمه قلمرو هخامنشی کرد.
۲۶. داریوش سوم، آخرین فرمانروای هخامنشی مدتی پس از قتل اردشیر سوم بر تخت شاهی نشست.
۲۷. در زمان داریوش سوم، اسکندر با سپاهی بسیار قوی، آموزش دیده و تشنه قتل و غارت به ایران تاخت.
۲۸. اسکندر در سه نبرد (گرانیکوس، ایسوس و گوگمل) سپاه هخامنشی را شکست داد.
۲۹. آریوبرزن، سردار شجاع ایرانی در مقابل سپاه مقدونی مقاومت کرد.
۳۰. داریوش سوم که از برابر اسکندر گریخته بود در سال ۳۳۰ ق.م. نزدیک دامغان کنونی به قتل رسید.
۳۱. با مرگ داریوش سوم، سلسله هخامنشی به پایان رسید.
۳۲. هخامنشیان، ایران را به نخستین حکومت بزرگ جهانی تبدیل کردند.
۳۳. به واسطه تدبیر و سیاست شاهان هخامنشی بود که ایرانیان به تأثیرگذارترین مردم در جهان متمدن و شناخته شده آن روزگار تبدیل شدند.

درس ۱۰ اشکانیان و ساسانیان

اوضاع ایران پس از سقوط هخامنشیان

۱. مردم ایران نسبت به این کشورگشای بی رحم و سربازان مقدونی و یونانی او، به چشم بیگانه نگاه می کردند و از سلطه بیگانگان بر سرزمینشان ناخرسند بودند. از این رو، مقاومت هایی به شکل نافرمانی و شورش در مناطق مختلف کشور در برابر اسکندر و لشکریان او صورت گرفت.

۲. اسکندر مقدونی در ۳۲۳ ق.م. در بابل درگذشت.

سلوکیان

۳. چند سال پس از مرگ اسکندر، یکی از سرداران او به نام سلوکوس بر بین النهرین، بخش هایی از آسیای صغیر، سوریه و فلات ایران حاکم شد و سلسله پادشاهی سلوکیان را تشکیل داد.

۴. سلوکوس خود را نیکاتور، یعنی فاتح می خواند.

۵. سلوکوس ابتدا شهری را که به نام او سلوکیه نامیده شد و در ساحل غربی رود دجله قرار داشت، به عنوان پایتخت برگزید، اما چند سال بعد، پایتخت خود را به شهر انطاکیه در شمال سوریه منتقل کرد.

۶. سلوکیان قصد داشتند با ایجاد شهرهای جدید و کوچاندن یونانیان به این شهرها، فرهنگ یونانی را در ایران و دیگر متصرفات اسکندر در آسیا، رواج دهند.

۷. سلوکیان از اوایل تشکیل حکومت خود، با جانشینان اسکندر در مصر، وارد رقابت و درگیری شدند. از این رو، عمده توجه شاهان سلوکی به مناطق غربی قلمرو خودشان بود و بر متصرفات شرقی خویش نظارت و سلطه کامل نداشتند. این مسئله سبب شد که به تدریج افراد یا خاندان هایی در نواحی شمال شرقی فلات ایران قدرت را به دست گیرند و به فکر استقلال از حکومت سلوکیان بیفتند.

اشکانیان

۸. بنیان گذار این سلسله، ارتشک، از قبیله پرنی یا آپرنی در شرق ایران بود که بر فرمانروای سلوکی در ناحیه ای در حوالی قوچان امروزی شورید و پارت و گرگان را از دست سلوکیان خارج کرد (۲۳۸ ق.م.).

۹. اشکانیان با استفاده از جنگاوران قبایل شرق ایران که در سوارکاری و تیراندازی با کمان، مهارت فراوان داشتند، سپاه ورزیده های را تشکیل دادند.

۱۰. اشکانیان در طول حدود ۴۷۰ سال حکومت، چندین بار پایتخت خود را تغییر دادند. پایتخت های این سلسله به ترتیب عبارت اند از: شهر نسا در ترکمنستان امروزی، شهر صدروازه که یونانیان به آن هکاتم پلیس می گفتند در حوالی دامغان کنونی و شهر تیسفون در نزدیکی بغداد امروزی.

۱۱. مهرداد یکم با تسلط بر مناطق وسیعی در سرتاسر ایران، قدرت و قلمرو حکومت اشکانی را به طور چشمگیری افزایش داد.

۱۲. در دوران فرمانروایی مهرداد یکم، سلسله اشکانیان از یک حکومت محلی در شرق فلات ایران به یک پادشاهی قدرتمند تبدیل شد.

۱۳. با فتوحاتی که مهرداد دوم انجام داد، وسعت قلمرو اشکانیان به نهایت خود رسید و پایه های قدرت و سلطنت آنان استوار گردید.

۱۴. در روزگار مهرداد دوم، سفیرانی از سوی چین به ایران آمدند.

۱۵. در دوران مهرداد دوم اشکانیان تا رود فرات پیش رفتند و با امپراتوری روم همسایه شدند.

۱۶. از مهم ترین جنگ های اشکانیان و روم در زمان پادشاهی آرد دوم اتفاق افتاد.

۱۷. کراسوس، سردار مشهور روم با سپاهی بزرگ و مجهز به منطقه بین النهرین هجوم آورد، اما در جایی به نام حران، از سپاه ایران به سختی شکست خورد و سردار مغرور روم کشته شد.

۱۸. فرماندهی سپاه ایران را در جنگ حرّان، سردار بی باک و شجاع ایرانی، سورنا بر عهده داشت که با اجرای فنون گوناگون جنگی به پیروزی بزرگی دست یافت.
۱۹. نظام حکومتی اشکانیان مجموعه‌ای از حکومت‌های نیمه مستقل بود که به حکومت مرکزی اشکانی، مالیات و نیروی نظامی می‌دادند. این نوع حکومت را ملوک طوایفی خوانده‌اند.
۲۰. حکومت اشکانی بر اثر جنگ‌های پیاپی با امپراتوری روم در مرزهای غربی و نیز درگیری‌های نظامی در مرزهای شرقی، در اوایل قرن سوم میلادی به سستی گرایید.
۲۱. آخرین پادشاه اشکانیان، اردوان چهارم بود.
۲۲. اردوان در جنگ با اردشیر بابکان ساسانی شکست خورد و کشته شد و سلسله اشکانیان از هم پاشید.
۲۳. اشکانیان با آسان‌گیری و مداراجویی فرهنگی و دینی، اقوام و فرقه‌های دینی گوناگون و حتی یونانی‌تباران ایران را که در سراسر قلمرو آنها پراکنده بودند، در کنار یکدیگر حفظ کردند.

ساسانیان

۱. ساسانیان، نام خود را از ساسان، نیای اردشیر بابکان، سر دودمان آن سلسله گرفته‌اند.
۲. ساسان، موبد نیایشگاه زرتشتی آناهیتا در شهر استخر، واقع در منطقه پارس بود.
۳. اولین فرمانروای ساسانی اردشیر بابکان بود.
۴. ساسانیان مصلح بودند، به جای حکومت ملوک طوایفی اشکانی، حکومتی متمرکز و قدرتمند ایجاد کنند که دستورات و قوانین آن در سرتاسر ایران اطاعت شود.
۵. حکومت ساسانی همواره در خارج از مرزهایش با مسائل و مشکلات مختلفی رو به رو بود. یکی از این مشکلات، امپراتوری روم شرقی به شمار می‌رفت که پی در پی به سرزمین‌های ایرانی، حمله می‌کرد. از سوی دیگر، یورش‌های مکرر قبایل بیابان گرد به مرزهای ایران، ساسانیان را به زحمت می‌انداخت.
۶. حکومت ساسانیان با اقدامات مهم پادشاهانی مانند شاپور یکم و شاپور دوم که موفقیت‌های سیاسی و نظامی بزرگی در داخل و خارج کسب کردند، گسترش یافت و تثبیت شد.
۷. در زمان پادشاهی قباد یکم (۵۳۱ - ۴۸۷ م.)، حکومت ساسانی با جنبشی اجتماعی و اقتصادی به رهبری مزدک مواجه شد.
۸. مزدک طرفدار برابری مردم در بهره‌مندی از منافع اقتصادی و اجتماعی بود.
۹. قباد که در آغاز زمامداری خود قصد داشت از قدرت اشرف، نجبا و موبدان بکاهد و دست آنان را از امور کشوری کوتاه کند، به حمایت از مزدک برخاست، اما اشرف و نجبا، او را از پادشاهی برکنار و زندانی کردند.
۱۰. خسرو انوشیروان برای سامان بخشیدن به اوضاع کشور، اصلاحاتی را در زمینه اداری، نظامی و اقتصادی انجام داد.
۱۱. در زمان هرمز چهارم، اختلاف و نزاع سیاسی در دربار ساسانیان اوج گرفت و یکی از سرداران مشهور به نام بهرام چوبین، با پشتیبانی بزرگان علیه پادشاه سر به شورش برداشت و او را از قدرت برکنار نمود و خود به جای او به پادشاهی نشست.
۱۲. خسرو پرویز، پسر هرمز به بیزانس (امپراتوری روم شرقی) گریخت و با حمایت امپراتوری روم، به تاج و تخت .
۱۳. در دوره‌ی ساسانیان دو کشور ایران و روم بر سر تسلط بر برخی سرزمین‌های سرحدی به ویژه منطقه ارمنستان، با یکدیگر اختلاف و درگیری داشتند.
۱۴. از اهداف اصلی رومیان در لشکرکشی پی در پی به ایران در زمان ساسانیان، تسلط بر مسیرهای تجاری بود که به هند و چین می‌رسید.
۱۵. دو مورد از جنگ‌ها ایران و روم در زمان شاپور یکم اتفاق افتاد که در یکی از آنها، گردیانوس امپراتور روم کشته شد و در دیگری والریانوس، امپراتور روم به اسارت درآمد.
۱۶. در زمان خسرو پرویز نیز نبردهای بزرگی میان دو کشور ایران و روم رخ داد که در آغاز ساسانیان پیروز شدند، اما در پایان، به سختی شکست خوردند.

۱۷. قبایل صحراگرد آسیای مرکزی، مکرر به مرزهای شمال شرقی ایران در منطقه خراسان هجوم می‌آوردند و به تخریب و غارت می‌پرداختند.
۱۸. قبایل بیابان گرد عرب نیز دائماً به شهرها و آبادی‌های ایران در حاشیه جنوبی خلیج فارس و دریای عمان دستبرد می‌زدند.
۱۹. شاپور دوم ساسانی در جریان یک عملیات نظامی، اعراب متجاوز را به سختی گوش مالی داد.
۲۰. حکومت ساسانی برای جلوگیری از غارتگری اعراب، حکومتی دست‌نشانده به ریاست اعراب لخمی (لخمیان) در جنوب غربی ایران به مرکزیت شهر حیره تأسیس کرد.
۲۱. اقدام خسرو پرویز در برانداختن حکومت لخمیان را اشتباه بزرگی می‌شمارند که باعث شد مرزهای جنوب غربی ایران در برابر هجوم اعراب بی‌دفاع بماند.
۲۲. در اوایل فرمانروایی یزدگرد سوم، اعراب مسلمان به ایران حمله کردند و در چند جنگ بزرگ مانند قادسیه، جلولای و نهاوند، سپاه ساسانی را مغلوب کردند.
۲۳. یزدگرد که به خراسان گریخته بود، سرانجام در اطراف شهر مرو کشته شد (۶۵۱ م. / ۳۱ ق.) با مرگ او، سلسله ساسانیان به پایان آمد و ایران وارد دوران اسلامی تاریخ خود شد.
۲۴. برخی از عوامل مؤثر در سقوط ساسانیان عبارت اند از:
- ۱ - ضعف قدرت سیاسی پادشاهان ساسانی به دلیل اختلاف و درگیری پیاپی با اشراف و بزرگان؛
 - ۲ - شورش مکرر فرماندهان نظامی و دخالت آنان در کشمکش های سیاسی؛
 - ۳ - نارضایتی توده مردم از حکومت ساسانی به سبب وجود تبعیض ها و نابرابری های اجتماعی و اقتصادی و عدم مقاومت جدی آنان در برابر اعراب؛
 - ۴ - کاهش توان اقتصادی حکومت ساسانی به سبب طغیان رودخانه های دجله و فرات، شکسته شدن سدها و به زیر آب رفتن زمین های حاصلخیز آسورستان (بین النهرین)
 - ۵ - پیام جذاب دین اسلام که جهانیان را به پرستش خدای یگانه و برابری و برادری فرا می خواند.
 - ۶ - انگیزه و روحیه قوی اعراب مسلمان.

درس ۱۱ آیین کشوردارک

نظام سیاسه و ادارک

۱. شاهان ماد به تقلید از شاهان پیشین و معاصر خود، حکومت می کردند.
۲. سنگ نوشته ها و لوح های گلی هخامنشی و نیز نوشته های مورخان یونانی عهد باستان، حاوی اطلاعات ارزشمندی در خصوص نظام حکومتی و تشکیلات اداری آن دوران هستند.
۳. در رأس تشکیلات سیاسی و اداری هخامنشیان، پادشاه قرار داشت.
۴. پادشاهان هخامنشی و به ویژه داریوش یکم، ادعا می کردند که به خواست اهوره مزدا به مقام پادشاهی دست یافته اند و به یاری او بر کشور فرمان می رانند.
۵. کورش، بنیان گذار حکومت هخامنشی، از تشکیلات و تجربه های اداری حکومت های پیشین، برای اداره امور کشور استفاده کرد و شیوه جدیدی از فرمانروایی خردمندانه را که مبتنی بر احترام به دین و فرهنگ مردم سرزمین های فتح شده و مشارکت آنان در حکومت بود، ارائه نمود.
۶. سیاست کورش بزرگ این بود که از طریق مشارکت دادن اقوام و ملت های تابعه در اداره حکومت هخامنشی، وفاداری و پشتیبانی آنان را نسبت به خود جلب کند.
۷. در زمان داریوش اول، حکومت هخامنشی به نهایت گسترش خود رسید.
۸. داریوش یکم بنیان گذار و طراح اصلی نظام سیاسی اداری حکومت هخامنشیان شناخته می شود.
۹. نظام سیاسی اداری که داریوش یکم ایجاد کرد، به دو بخش تشکیلات اداری مرکزی و تشکیلات استانی یا ساتراپی تقسیم می شد.
۱۰. تشکیلات اداری مرکزی در درون دربار هخامنشی در پایتخت، ساماندهی شده بود و اجزای اصلی آن را خزانه شاهی، انبار شاهی و دیوان شاهی تشکیل می دادند.
۱۱. دیوان شاهی وظیفه مهم نگارش، تنظیم، ثبت و نگهداری نامه ها، اسناد و نوشته های دولتی را بر عهده داشت.
۱۲. در زمان هخامنشیان، مسئولیت بازرسی و نظارت دقیق و کامل بر عملکرد مقام ها و مأموران دولتی در پایتخت و شهرهای ساتراپی ها) بر عهده یکی از خویشاوندان نزدیک شاه و یا یکی از درباریان مورد اعتماد و وفادار به او قرار می گرفت.
۱۳. مسئول بازرسی و مأموران تحت فرمانش، به عنوان «چشم و گوش شاه» معروف بودند.
۱۴. داریوش تشکیلات استانی یا ساتراپی و شیوه اداره آنها را نیز، از نو سامان داد و قواعد تازه های را برای نظارت و تسلط بیشتر حکومت مرکزی بر ساتراپ ها به وجود آورد.
۱۵. در دوران حکومت سلوکی، قدرت و مناصب مهم سیاسی، اداری و نظامی در اختیار یونانیان بود.
۱۶. سلوکیان برای تحکیم سلطه خود، یونانیان زیادی را به ایران کوچاندند و آنان را در شهرهای جدیدی که بیشتر به شهرک ها و پادگان های نظامی شباهت داشتند، جای دادند.
۱۷. سلوکیان بخش عمده ای از تشکیلات دیوانی (اداری و مالی) هخامنشیان را به خدمت گرفتند.
۱۸. فرمانروایان سلوکی همچنین به سیاست آزادی و مدارای دینی پادشاهان هخامنشی ادامه دادند.
۱۹. خاندان اشکانی به اتکای جنگاوران قبایل صحراگرد شرق ایران، به قدرت رسیدند.
۲۰. پادشاه اشکانی بالاترین مقام سیاسی و نظامی کشور به شمار می رفت.
۲۱. علاوه بر خاندان شاهی، خاندان های بزرگ دیگری نیز در قدرت و حکومت سهیم بودند. معروف ترین این خاندان ها عبارت بودند از: کارن یا قارن در نهاوند، سورن در سیستان، و مهران در ری.
۲۲. در دوران اشکانی دو مجلس وجود داشت. در یکی از این مجالس، شاهزادگان، بزرگان درباری و نمایندگان هفت خاندان بزرگ؛ و در دیگری پیشوایان دینی یا مغان حضور می یافتند.
۲۳. اعضای دو مجلس اشکانی، پادشاه اشکانی را در اداره کشور کمک می کردند و در تعیین جانشین پادشاه و تصمیم گیری برای جنگ و صلح نقش داشتند.

۲۴. حکومت اشکانی به شکل غیرمتمرکز اداره می شد و اداره برخی از سرزمین ها و مناطق کشور به صورت موروثی در اختیار پادشاهان کوچک و حاکمان محلی بود که تا حدودی در اداره قلمرو خویش استقلال داشتند.
۲۵. پادشاهان کوچک و حاکمان محلی برای نشان دادن اطاعت و وفاداری خویش به حکومت اشکانی، علاوه بر پرداخت باج و خراج سالانه، به هنگام جنگ، سپاه خود را در اختیار اشکانیان قرار می دادند. شیوه غیرمتمرکز اداره حکومت اشکانیان، شیوه حکومت ملوک طوایفی نامیده شده است.
۲۶. پادشاهان ساسانی همانند پادشاهان هخامنشی ادعا می کردند که بنا به خواست اهوره مزدا به مقام شاهی رسیده و حکومت آنان مورد تأیید او است.
۲۷. پادشاهان ساسانی به منظور ایجاد تمرکز و افزایش دامنه نظارت و تسلط خود بر مناطق مختلف کشور، از یک سو سپاهی دائمی و نیرومند تشکیل دادند و از سوی دیگر اقدام به توسعه و تقویت تشکیلات اداری (دیوان سالاری) منسجم و منظمی کردند.
۲۸. نتیجه اقدامات پادشاهان ساسانی به منظور ایجاد تمرکز و افزایش دامنه نظارت و تسلط خود بر مناطق مختلف کشور، از تعداد حکومت های موروثی محلی به طور محسوسی کاسته شد و مناطق مختلف کشور به ویژه نواحی جنوبی، مرکزی و غربی آن، تحت نظارت و سلطه مستقیم حکومت ساسانی قرار گرفت.
۲۹. تشکیلات اداری یا دیوان سالاری ساسانیان از اداره ها یا دیوان های مختلفی تشکیل شده بود که در رأس آنها، وزیر بزرگ قرار داشت که به او بزرگ فرمادار می گفتند.
۳۰. وزیر تحت نظارت مستقیم پادشاه کار می کرد و مجری فرامین او بود.
۳۱. زمانی که پادشاه در جنگ یا سفر بود، وزیر به عنوان جانشین او کشور را اداره می کرد.
۳۲. دبیران نقش ممتاز و بسیار مهمی در تشکیلات اداری ساسانی داشتند. آنها در مرکز آموزشی به نام دبیرستان آموزش می دیدند. کار اصلی دبیران نگارش فرمان ها، نامه ها و اسناد و ثبت و ضبط آنها بود، ولی کارهای دیگری مانند گردآوری و تألیف خدای نامک هم جزو وظایف ایشان بود.
۳۳. به رئیس دبیران و کاتبان، ایران دبیرید یا دبیران مهست می گفتند که از جمله صاحب منصبان عالی رتبه تشکیلات اداری ساسانی محسوب می شد.
۳۴. قلمرویی که ساسانیان بر آن فرمان می راندند، ایران شهر نامیده می شد.
۳۵. قلمرو ایران شهر به چندین کوره یا استان تقسیم شده بود که اعضای خاندان شاهی، افرادی از خاندان های بزرگ و یا فرماندهان نظامی بر آنها حکومت می کردند.
- قضاوت و دادرسی**
۳۶. بر اساس باورهای کهن ایرانی، مهر یا میترا، ایزد پیمان و قانون و پشتیبان نظم اجتماعی بود.
۳۷. ایرانیان باستان همچنین به عدالت و راستی اهمیت بسیار می دادند و یکی از آرمان های آنان این بود که فرمانروایی عادل بر آنان حکومت نماید.
۳۸. در ایران باستان، قوانین، بیشتر از عرف و عادات و اعتقادات قومی ایرانیان و به ویژه اوستا، کتاب دینی زرتشتیان گرفته شده بود.
۳۹. شکل غیررسمی قضاوت در دوره ساسانیان را اغلب ریش سفیدان و بزرگان خانواده ها و قبایل برعهده داشتند.
۴۰. قضاوت رسمی، بیشتر بر عهده روحانیون زرتشتی و نیز قضاتی بود که از سوی شاه و یا حاکمان مناطق مختلف منصوب می شدند.
۴۱. روحانیون عمدتاً به اختلافات حقوقی و مدنی و قضات شاهی به جرایم سیاسی و نظامی رسیدگی می کردند.
۴۲. در دوره ساسانیان قوانین مربوط به نظم عمومی، نافرمانی و خیانت به شاه و کشور حتی در مورد شاهزادگان و دیگر اعضای خاندان شاهی خیلی سخت و بدون ملاحظه اجرا می شد.

۴۳. معمولاً شاه بالاترین مرجع قضایی و قاضی‌القضاات به شمار می‌رفت و در محاکمه‌های مهم، اغلب، حکم نهایی را او صادر می‌کرد.

۴۴. در سنگ‌نوشته‌هایی که از شاهان هخامنشی به ویژه داریوش یکم بر جای مانده، نکته‌ها و مطالبی دربارهٔ انصاف، عدالت و راستی و اجتناب از دروغ و بیداد به چشم می‌خورد.

۴۵. مجموعه‌ای از قوانین و محاکمات عصر ساسانی در کتاب «مادیان هزاردادستان» به زبان پهلوی گردآوری شده و منبع ارزشمندی برای حقوق و دادرسی آن دوره محسوب می‌شود.

سپاه و جنگ افزارها

۴۶. دهبوک، مؤسس حکومت ماد با گردآوری جنگاوران قبایل متحد خود، اقدام به تشکیل سپاهی کرد.

۴۷. دهبوک، به منظور مقابله با هجوم آشوری‌ها، هگمتانه (همدان کنونی) را به صورت دژی نظامی درآورد و استحکامات و قلعه‌های متعددی بنا کرد.

۴۸. هُووخستر، سومین پادشاه ماد، سپاه خود را به دسته‌های کمان‌داران، نیزه‌داران و سواران تقسیم کرد و در کنار آنان دسته‌های پشتیبانی، تدارکات و یگان‌های بارکش قرار داد.

۴۹. سلاح‌های سپاه ماد شامل خنجر، سرنیزه، سپر، شمشیر، تیر و کمان و زوبین بوده است.

۵۰. سپاه هخامنشی تا زمان داریوش یکم متکی بر واحدهای مختلف پیاده نظام بود که از قبایل، اقوام و ملل تابعه، به آن پیوسته بودند.

۵۱. داریوش اول در زمینه نظامی، نیروی ویژه ده هزار نفری به نام سپاه جاویدان تشکیل داد.

۵۲. اعضای سپاه جاویدان، از میان جوانان برومند پارسی انتخاب می‌شدند و تحت آموزش‌های ویژه قرار می‌گرفتند.

۵۳. سواره نظام در سپاه پارسیان نقش مهمی در جنگ‌ها داشتند و سلاح اصلی آنها نیزه بود.

۵۴. یکی دیگر از اقدام‌های بزرگ داریوش یکم، تأسیس نیروی دریایی بود. به تدبیر این پادشاه، چندین پایگاه دریایی در خلیج فارس، دریای سرخ و دریای مدیترانه به وجود آمد.

۵۵. دریانوردان ملل مختلف تابع امپراتوری، از جمله فنیقی‌ها، سوری‌ها، مصری‌ها، قبرسی‌ها و مردمان آسیای صغیر در نیروی دریایی هخامنشیان خدمت می‌کردند، اما فرماندهی ناوهای جنگی را پارسیان و مادی‌ها بر عهده داشتند.

۵۶. اشکانیان به نیروی سواره نظام اهمیت فراوان می‌دادند و در سپاه اشکانی، نیروی پیاده نظام نقش چندانی نداشت.

۵۷. اساس تشکیلات نظامی اشکانیان سواره نظام چابکی بود که در هنگام سواری تیراندازی می‌کرد و باعث از هم پاشیدن لشکر دشمن می‌شد.

۵۸. مهم‌ترین جنگ افزارهای سپاه اشکانی تیر و کمان و نیزه بود.

۵۹. دلیل توانمندی سواره نظام اشکانی، پیشینه صحراگردی شان بود که به آنان این توانایی را داده بود.

۶۰. اشکانیان به تدریج، سواره نظام سنگین اسلحه نیز تشکیل دادند که مجهز به زره و کلاه خود بود.

۶۱. استفاده از صدای طبل نیز در آغاز حملات سپاه اشکانی معمولاً وحشت بسیاری در لشکر دشمن ایجاد می‌کرد و نظم آنها را به هم می‌ریخت.

۶۲. سورنا سردار معروف اشکانی با همین روش هراس بزرگی در سپاه کراسوس رومی ایجاد کرد و در نبرد حران (۵۳ ق.م.) پیروز شد.

۶۳. با به قدرت رسیدن خاندان ساسانی، سپاه دائمی و مجهزی به وجود آمد.

۶۴. اصلی‌ترین بخش سپاه ساسانی را سواره نظام سنگین اسلحه زره‌پوش تشکیل می‌داد که به آن اسواران گفته می‌شد.

۶۵. بخش دیگری از سپاه ساسانی را سواره نظام سبک اسلحه که افراد آن مجهز به کمان بودند، تشکیل می داد. اعضای سواره نظام از میان جوانان طبقه اشراف و نجبا برگزیده می شدند.
۶۶. پیاده نظام ساسانی عمدتاً شامل روستاییانی بود که اسلحه و تجهیزات مناسبی نداشتند و به لحاظ نظامی، چندان اهمیتی به آنان داده نمی شد.
۶۷. از جمله ابتکارات نظامی ساسانیان، استفاده از فیل در جنگها بود.
۶۸. نیروی دریایی ساسانی از ابتدای تأسیس این سلسله به وجود آمد.
۶۹. اردشیر بابکان و جانشینان او، از نیروی دریایی برای برقراری امنیت و تحکیم سلطه خود بر خلیج فارس و دریای عمان و سواحل جنوبی آن استفاده کردند.
۷۰. خسرو انوشیروان با استفاده از نیروی دریایی، یمن را از اشغال حبشیان که از سوی امپراتوری روم شرقی (رقیب ساسانیان) حمایت می شدند، نجات داد و با بالمندب و خلیج عدن را تحت تسلط خود درآورد.
۷۱. در دوران ساسانی، مدارس به نام ارتشتارستان وجود داشت که افراد ارتش در آنجا آموزش می دیدند.



گروه مشاوره فراهوش
INSTAGRAM : FARA_HOOSH99
WEB : FARAHOOSH99.IR

درس ۱۲ جامعه و خانواده

قشرها و طبقات اجتماعی

۱. هر قبیله آریایی شامل تعدادی طایفه بود و طایفه نیز خود، به چندین خانواده بزرگ تقسیم می‌شد.
۲. افراد جامعه آریایی به سه قشر «کشاورزان و شبانان» و «جنگجویان» و «روحانیان» تقسیم شده بودند.
۳. وجود قشرهای سه‌گانه آریایی در آغاز، معرف نوعی تقسیم کار و دسته‌بندی حرفه‌ای به شمار می‌رفت.
۴. در جامعه آریایی تمرکز قدرت و ثروت در نزد عده‌ای خاص، موجب ایجاد نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی و شکل‌گیری طبقات اجتماعی به معنای واقعی آن شد.
۵. در دوران هخامنشیان، اعضای خاندان‌های بزرگ که خانواده شاهی در رأس آنها قرار داشت، از طرف پادشاه به سمت حکومت شهرهای، فرماندهی ارتش و سایر مناصب مهم حکومتی منصوب گردیدند.
۶. در زمان هخامنشیان طبقه‌ای از اشراف و بزرگان شکل گرفت که علاوه بر امتیازات ویژه اقتصادی، از مقام و منزلت اجتماعی بالاتری برخوردار بودند.
۷. جامعه ایران در دوران اشکانیان شامل گروه حاکم و توده‌های مردم عادی بود.
۸. اعضای گروه حاکم در دوره‌ی اشکانیان، خود به دو دسته تقسیم می‌شدند. در مرتبه اول اعضای خاندان‌های شاهی و دیگر خاندان‌های قدرتمند قدیمی بودند که مهم‌ترین منصب‌های سیاسی و نظامی مانند حکومت مناطق مختلف کشور و فرماندهی سپاه و عضویت در مجلس آن زمان را در اختیار داشتند.
۹. در دوره‌ی اشکانیان توده مردم شامل کشاورزان، شبانان، صاحبان حرف و صنایع و بازرگانان بودند.
۱۰. نظام طبقاتی جامعه ایران در عصر ساسانی تحت تأثیر دو عامل گسترش یافت و تثبیت شد: تأسیس حکومت مرکزی قدرتمندی بود که خاندان ساسانی با توسعه تشکیلات اداری و دیوانی به وجود آوردند و عامل دوم، رسمیت یافتن دین زرتشتی و افزایش نفوذ و اختیارات موبدان بود.
۱۱. در دوره‌ی ساسانیان قشر جدیدی به نام «دبیران» در این دوره به طبقه حاکم افزوده شد.
۱۲. نظام طبقاتی عصر ساسانی بر اصالت نسب و خون استوار بود.
۱۳. در جامعه‌ی ساسانی، تحرک اجتماعی و رفتن از طبقه‌ای به طبقه دیگر، ممنوع و یا دست کم، بسیار دشوار بود.
۱۴. در دوران ساسانیان نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی میان طبقه حاکم یعنی خاندان ساسانی و اشرافیت سیاسی، نظامی و دینی وابسته به آن از یک سو و توده مردم عادی از سوی دیگر افزایش یافت.
۱۵. در دوره‌ی ساسانیان طبقه فرادست و حاکم، در مقایسه با گذشته، گسترش چشمگیری یافت و در درون خود دارای مراتب و درجات متفاوت گردید.
۱۶. زنان طبقه فرادست ساسانی با نوع لباس و زیورآلات، از دیگر زنان متمایز بودند.
۱۷. طبقه فرودست یا عامه
۱۸. مردم، شامل قشرهای مختلفی می‌شد که به طور موروثی به فعالیت‌های تولیدی و خدماتی مانند کشاورزی، دامداری، پیشه‌وری، تجارت و امثال آن مشغول بودند و بار سنگین مالیات‌های گوناگون را بر دوش می‌کشیدند.
۱۹. در دوران ساسانیان، موبدان زرتشتی، مدافع نابرابری‌های اجتماعی و امتیازات طبقه حاکم بودند.
۲۰. در زمان پادشاهی قباد، جنبش بزرگی علیه نابرابری‌ها و تبعیض‌های اجتماعی و اقتصادی به رهبری مزدک پدید آمد.
۲۱. جنبش مزدک، پایه‌های نظام طبقاتی ساسانی را به شدت لرزاند.

خانواده

۲۲. خانواده، هسته اصلی جامعه آریایی نخستین به شمار می‌رفت.
۲۳. در خانواده آریایی، سلطه پدر بر اعضای آن، نامحدود بود. پدر هم قاضی و هم مجری آداب و رسوم دینی و نگهبان آتش خانه به حساب می‌آمد.
۲۴. در خانواده کهن ایرانی، ازدواج درون گروهی بود و اعضای خانواده تحت نظارت پدر، با یکدیگر پیمان ازدواج می‌بستند.

۲۵. در خانواده کهن ایرانی دارایی های خانواده که در اختیار پدر قرار داشت، قابل تقسیم و یا انتقال نبود و پس از مرگ او در اختیار پسر ارشد به عنوان رئیس جدید خانواده قرار می گرفت.

۲۶. خانواده گسترده تا عهد هخامنشی تداوم داشت. اما پس از آن تحت تأثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی، به تدریج کوچک تر و محدودتر شد.

۲۷. با گسترش شهرها،

۲۸. در دوره ساسانیان، بخشی از خانواده های روستایی به شهر مهاجرت کردند و در پیشه های گوناگونی اشتغال یافتند. بدین گونه خانواده بزرگ با املاک و دارایی های مشترک، به تدریج به خانواده های کوچک تر با اموال مستقل تجزیه شد. از سوی دیگر، با توسعه تشکیلات حکومتی و گسترش قشرهای اجتماعی، دامنه اختیارات و قدرت پدر در خانواده کاهش یافت.

زنان

۲۹. جایگاه و حقوق زنان به عنوان نیمی از جامعه در دوران باستان، تحت تأثیر آموزه های دین زرتشتی و فرهنگ عمومی قرار داشت.

۳۰. در قسمت هایی از کتاب اوستا که منسوب به زرتشت است، تفاوت چندانی میان مرد و زن وجود ندارد

۳۱. شعار اصلی زرتشت یعنی گفتار نیک، کردار نیک و پندار نیک به یکسان برای زنان و مردان توصیه شده است.

۳۲. در بخش هایی از اوستا که احتمالاً در زمان ساسانیان توسط موبدان تدوین شده، موقعیت اجتماعی زن پایین تر از مرد قرار می گیرد.

۳۳. در آیین زرتشتی، پارسایی و عفت به عنوان دو خصلت و ویژگی زن خوب بر شمرده شده است.

۳۴. لوح های گلی کشف شده از تخت جمشید بیانگر آن است که در زمان هخامنشیان، زن و مرد در کنار هم و با حقوقی برابر کار می کردند.

۳۵. در دوره ی ساسانیان تنی چند از زنان خاندان شاهی مانند همسر یزگرد دوم و دو دختر خسرو پرویز به نام های پوران دُخت و آزرمی دُخت بر تخت سلطنت نشستند.

۳۶. همسر یزگرد دوم و دو دختر خسرو پرویز به نام های پوران دُخت و آزرمی دُخت از جمله نخستین شاهان زن یکی از بزرگ ترین حکومت های جهان باستان هستند.

جشن و سوگواری

۳۷. جشن های ایران باستان پیوند تنگاتنگی با باورهای دینی و زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مردم ایران، به ویژه فعالیت های کشاورزی داشت.

۳۸. ویژگی برجسته جشن های باستانی، عبادت و شکرگزاری به درگاه خداوند بزرگ بود.

۳۹. گاهنبارها، نوروز، مهرگان و سده، از مشهورترین جشن های ایران باستان به شمار می روند.

۴۰. گاهنبارها عبارت بودند از شش جشن که به شکرانه آفریده شدن عناصر اصلی خلقت: آسمان، آب، زمین، گیاه، جانوران و انسان، در شش وقت معین از ماه های سال برگزار می شد.

۴۱. جشن نوروز از کهن ترین جشن های ایرانی است که به جمشید، نخستین پادشاه افسانه ای ایران نسبت داده می شود.

۴۲. ایرانیان باستان مراسم سوگواری برای مردگان را نیز با آداب و تشریفات ویژه ای برگزار می کردند.

۴۳. ایرانیان باستان در مراسم سوگواری درگذشتگان، ضمن خواندن دعا، نیکی های شخص از دنیا رفته را یادآوری می کردند.

۴۴. ایرانیان احترام خاصی برای ارواح پدران و مادرانشان قائل بودند؛ از این رو، در برخی از جشن ها، مراسم ویژه ای را برای آرامش ارواح آنان انجام می دادند.